

گزارش/

گفتمان اصلاح طلبی از شعار تا واقعیت و انتخابات ریاست جمهوری
جریان اصلاحات در سال 1376 با تأکید بر مولفه‌هایی چون کثرت عقیدتی و ارزشی، آمیزش دین با سیاست، معنویت گرایی، آزادی، حاکمیت قانون، دفاع از نهادهای مدنی، نفی خشونت، تأکید بر اجماع و توافق درباره قانون اساسی روی کار آمد، ولی هیچگاه در چارچوب این مفاهیم وارد عمل نشد و سعی کرد با سردادن شعار آزادی در مسیر خواسته دولت‌های غربی گام بردارد.
به گزارش خبرنگار احزاب باشگاه خبرنگاران، جریان اصلاحات به عنوان یک جریان سیاسی از سال 76 تا 84 با رویکرد متفاوت و با برداشت از اندیشه غربی در کشورمان ظهور پیدا کرد لذا گروه احزاب باشگاه خبرنگاران درصدد است تا در گزارشی جامع به عملکرد این جریان در دوران محمد خاتمی به عنوان لیدر جریان اصلاحات بپردازد.

تعریف اصلاحات

اصلاحات وجهی از تحولات سیاسی است که در فرآیند آن به تغییرات آرام و مسالمت آمیز در جامعه آن هم به منظور دستیابی به تعادل و رفع مصایب، تسهیل خطاها و متوقف سازی سوءاستفاده‌های اجتماعی، جلوگیری از وقوع بحران‌های سیاسی، و حرکت رو به پیش در مهندسی اجتماعی مبادرت می‌شود.
تعریفی که هیچگاه در گفتمان اصلاح طلبی در کشورمان معنایی درستی از آن برداشت نشد.

این اصلاحات می‌توانست در شکل‌گیری خود زمینه‌های ساختاری، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فکری و برخی از امواج جهانی شدن را به همراه داشته باشد اما نتوانست به آنچه که مفهوم اصلی اصلاحات است دست پیدا کرده و در مسیر مشخصی گام بردارد.

گفتمان اصلاح طلب ایران از فاصله سالهای 76 تا 84 وقایع متعددی را برای کشورمان رقم زد که سعی کردیم در این گزارش به آن اشاره‌ای داشته باشیم.

پیشینه اصلاحات در ایران

جریان اصلاحات و به تعبیری گفتمان اصلاح طلبی در سه دوره از تاریخ ایران مجال ظهور یافته است.
اولین دوره جریان اصلاحات در مقابل قاجار و مشخصاً در قالب جنبش مشروطه بروز پیدا کرد، دومین دوره از جریان اصلاحات در مقابل حکومت مطلقه پهلوی در قالب نهضت ملی ایجاد شد و سومین دوره اصلاحات نیز پس از انقلاب اسلامی در سال 1376 و در قالب جنبش دوم خرداد ظهور پیدا کرد.

جریان اصلاحات در ایران، در قالب جنبش دوم خرداد و در مقابل جریان سنت‌گرای اصولگرا پس از انقلاب در سال 1376 شکل گرفت. گفتمان اصلاح طلبی در این دوره از تاریخ سیاسی ایران با ادعای کم توجهی گفتمان اصولگرایی به موضوعات فرهنگی، اجتماعی و توسعه سیاسی به وجود آمد.

شکل‌گیری اصلاحات در این دوره زمینه‌های متعددی چون ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فکری و عقیدتی و فرآیند جهانی شدن را به همراه داشت و با گفتمان ارزشی ایران فاصله بسیاری داشت.

جریان اصلاحات در سال 1376 با تأکید بر مولفه‌هایی چون کثرت عقیدتی و ارزشی، آمیزش دین با سیاست، معنویت‌گرایی، آزادی، حاکمیت قانون، دفاع از نهادهای مدنی، نفی خشونت، تأکید بر اجماع و توافق درباره قانون اساسی روی کار آمد ولی هیچگاه در چارچوب این مفاهیم وارد عمل نشد و سعی کرد با سردادن شعار آزادی در مسیر خواسته دولت‌های غربی گام بردارد.

عملکرد سیاسی اصلاح‌طلبان در دو دوره مجزا قابل ارزیابی است که دوره اول اصلاحات از فاصله 1376 آغاز شد تا 1380 ادامه یافت، اصلاحات این دوره منجر به ایجاد فضای باز سیاسی به طوری که در این دوره بر قانون‌گرایی، تحزب، تلاش برای جامعه مدنی، تکثرگرایی، تسامح، و تقویت نهادهای مشارکت قانونی تأکید شد اما متأسفانه شاهد بودیم که نه تنها هیچ کدام از این مولفه‌ها عملیاتی نشد بلکه بحران‌هایی مختلفی همچون قتل‌های زنجیره‌ای، حادثه کوی دانشگاه و اعتصاب معلمان نیز در این دوران فضای کشور را بسیار ملتهب و پر تنش کرد.

در دوره دوم اصلاحات که از سال 1380 شروع شد و با روی کار آمدن محمود احمدی‌نژاد پایان یافت عملکرد سیاسی اصلاح‌طلبان حالت عقلانی‌تری به خود گرفت و برای اعتدال‌گرایی و منطق‌گرایی در رفتارها تأکید شد اما دخالت غیرقانونی رانت‌خواران وابسته به دولت در فرآیندهای نهادی مدنی در جبهه اصلاحات باعث شد تمام شعارهای این طیف سیاسی بر باد رفته و در مجموع این بخش از گفتمان اصلاحات که با شعار آزادی و تأکید بر حقوق مدنی و سیاسی برسر کار آمده بود با شکست سختی به کار خود پایان دهد.

از نقاط مثبتی که در دولت خاتمی در طول دو دوره از حیات اصلاحات رخ داد یکسان سازی نرخ ارز، تشکیل حساب ذخیره ارزی، اصلاح سیستم مالیاتی، اجرای قانون سرمایه‌گذاری خارجی، شروع ایجاد بانک‌ها و بیمه‌های خصوصی و توسعه بورس‌های استانی بود اما متأسفانه به دلیل مدیریت ضعیف و به رغم افزایش درآمدهای دولت از درآمدهای صادراتی و مالیاتی باز هم منبع اصلی منابع دولت از منابع خدادادی تشکیل می‌شد.

در مجموع تیم اقتصادی دولت خاتمی به دلیل ناهماهنگی و گرایش اقتصادی و غلبه گرایش خاص سیاسی نتوانست به رغم وعده‌هایش، قدرت خرید مردم و توان اقتصادی افراد جامعه به خاطر مدیریت‌های غیرحرفه‌ای که دولت خاتمی با آن روبه رو بود حل کند.

حضور اصلاح‌طلبان در عرصه فرهنگ با شعار آزادی بیان و ایجاد فضای باز برای رسانه‌ها بود در این دوره اصلی‌ترین ارزش‌های انقلابی و اسلامی را زیر سوال برد و کشور را با مقوله جدیدی به نام تهاجم فرهنگی روبه رو کرد.

در جریان اصلاحات برخی از گروه‌ها هدف خود را تحقق دموکراسی در کشور می‌دانستند و برخی گروه‌های دیگر دموکراسی منطبق با دین را در دستور کار داشتند و برخی هم دین منطبق بر دموکراسی را هدف خود می‌دانستند لذا هیچ‌گونه هدف مشخصی در جریان اصلاحات در طول عمر این جریان وجود نداشت.

بنابراین جنبش اصلاحات بدلیل نداشتن پایه‌های عمیق علمی و ریشه‌ای باعث شد که اصلاح‌طلبان هم در راهبرد دچار از هم گسستگی شوند و هم نتوانند به ماهیتی که اساس یک ساختار غلط بود دست یابند. فقدان یک فرهنگ سیاسی غنی همواره در این جریان بیداد می‌کرد.

گفتمان اصلاحات به لحاظ کارنامه کاری نتوانست عملکرد قابل ملاحظه و قبولی را عرضه کند چنانچه شاهد بودیم که احزاب و گروه‌های اصلاح‌طلب به صورت مقطعی فعالیت می‌کردند، تشدد و تفرقه‌انگیزی و کم‌توجهی به انسجام و وفاق ملی در این جریان بیداد می‌کرد و ما شاهد ضعف شایسته سالاری، تخصص‌گرایی و غلبه فرهنگ فردمحوری در این گفتمان بودیم و به رغم شعار قانون‌گرایی پایبندی در قانون معنایی نداشت.

به لحاظ جامعه‌شناختی مهمترین آفت جریان اصلاحات ارائه نوع برخورد و رفتار سیاسی رادیکال در جامعه و فضای گفتمانی بود. بخش مهمی از تدریجی‌های جبهه دوم خرداد توسط اصلاح‌طلبان تجدیدنظرطلب صورت گرفت به طوری که گروهی از فعالان سیاسی و نخبگان فکری در این جریان با گذشت زمان نسبت به مبانی فکری و ارزشهای نظام جمهوری اسلامی دچار تردید شده بودند و با گذار از انقلاب و قانون اساسی به دنبال تغییر در ساختارها و بنیادهای نظام وارد عمل شدند موضوعی که سبب شد تا مردم دیگر هیچ علاقه و ذوقی را نسبت به این جریان نداشته باشند.

گفتمان اصلاحات در سال 1376 تا 1384 به شیوه افراطی بر توسعه سیاسی تأکید کرد و از توسعه اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی غافل شد لذا به دنبال این موضوع علاوه بر افزایش ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی مشکلات معیشتی مردم همچنان حل نشده باقی ماند، طرح انتظارات بی‌جا، ایجاد توقعات گسترده و تأکید افراطی بر توسعه سیاسی بخش عظیمی از توده‌ها را به صحنه کشانید و فضای جامعه را به شدت سیاسی کرد. این درحالی بود که توسعه سیاسی ناقص ایجاد شده در حدی نبود که مطالبات و توقعات جدید بر مشارکت سیاسی را پاسخ دهد.

این نکته نیز در خور تأمل است که عملکرد مجلس ششم که اکثریت کرسی‌های آن در اختیار طرفداران جریان اصلاحات بود به خوبی بیانگر این نگرش تک سوپیه و غفلت از جنبه‌های غیرسیاسی بود. در این مجلس بخش عمده‌ای از توان نمایندگان بر موضوعاتی مانند آزادی، مطبوعات و مسائل توسعه سیاسی به کار گرفته شد چنانچه سه فراكسیون دوم خرداد، مشارکت و اقلیت که بیشترین اعضا و به تبع آن بیشترین تعداد نطق‌ها را به خود اختصاص داده بودند در نطق پیش از دستور خود، بیشتر مسائل سیاسی را بیان می‌کردند تعداد پرسش‌های نمایندگان از وزرا نیز نشان‌دهنده میزان توجه آنان به اموری غیر از مطالبات مردم حکایت داشت در مجلس ششم 64 مورد از وزیر کشور، 12 مورد از وزیر اقتصاد و دارایی و 4 مورد از وزارت بازرگانی سوال شده و وزارت کشاورزی نیز فقط دو مورد از سوال نمایندگان را به خود اختصاص داده است.

متأسفانه در دولت و گفتمان اصلاحات در سال 1376 تا 1384 کشور درگیر شدیدترین تشددهای حزبی و جناحی بود که این موضوع ماحصل تندرویها و شعارهای افراطی لایه تندرو و احزاب و گروه های دوم خرداد و وابسته به محمد خاتمی بود.

گفتمان اصلاحات علی‌رغم پاره‌ای از دستاوردهای مثبت در عرصه سیاسی کشور با قدرت‌طلبی انحصارخواهی و کشمکش‌های حزبی، فضای سیاسی کشور را دچار بحران و بی‌ثباتی‌های فراوان کرد و با بالاگرفتن اختلافات تنش‌ها و درگیری‌های حزبی و غیرحزبی، نهادینه سازی توسعه و مشارکت سیاسی ممکن نشد. همانطوری که شاهد بودیم انتخابات دوم شورای شهر نشان داد که مردم از این درگیری‌ها و سخنان تکراری خسته شده‌اند و اقبال بسیار کمتری به اصلاح‌طلبان نشان دادند .

از سویی توجه نکردن به برخی مطالبات دینی، انقلابی، اقتصادی و معیشتی آن هم در فضایی آکنده از سیاست‌زدگی نوعی سرخوردگی از مباحث توسعه سیاسی را در اتحاد جامعه به ویژه جوانان ایجاد کرد.

حال با توجه به این ارزیابی که ارائه شده است می‌توان در یک نتیجه کلی گفت جریان اصلاحات در مجموع علی‌رغم شعارها و وعده‌هایی که در ابتدای شروع به کار خود ادعا کرد نه تنها هیچ دستاوردی را برای کشور به ارمغان نیاورد بلکه صدمات جبران‌ناپذیری به بدنه کشور در حوزه‌های سیاسی و اقتصادی وارد کرد.